

علمی-پژوهشی
فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر
سال هشتم، شماره اول، پیاپی (۲۴)، بهار ۱۳۹۳
تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۶
صص ۲۱۰ - ۱۷۹

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر دین‌داری، مطالعه موردی جوانان شهر تهران

عبدالرضا ادهمی^{۱*}، سعید کشانی^۲

چکیده

بر پایه نظریه‌های کنش متقابل نمادین و نقش‌پذیری میان متغیرهای تحقیق ارتباط نظری برقرار شده و فرضیات تحقیق مطرح گردید. برای سنجش دین‌داری با تکیه بر چارچوب نظری و تحقیقات پیشین از مقیاس معتبری استفاده شد که پیش از این بارها در تحقیقات خارج و داخل کشور مورد آزمون قرار گرفته است. در سنجش این مفهوم از مقیاس گلاک و استارک در چهار بعد (اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی) استفاده شد. متغیرهای مستقل تحقیق نیز پس از مرور تحقیقات مرتبط با تکیه بر جوانب نظری بحث تعریف و شاخص‌سازی شدند و با استفاده از آزمون‌های اعتبار و پایایی مورد سنجش و استانداردسازی قرار گرفتند. همه فرضیات تحقیق که بیان‌گر رابطه میان دین‌داری و عوامل مؤثر بر آن (آموزش رسمی مذهبی، آموزش

adhamiab@yahoo.com

۱- عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه آزاد تهران شمال (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

غیر رسمی مذهبی، خانواده، دوستان، سرمایه اجتماعی، رسانه، سن، جنسیت، تحصیلات به جزء تأهل) تایید شدند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند ابعاد مناسکی، اعتقادی، عاطفی و پیامدی به ترتیب بیشترین روابط همبستگی را با متغیرهای مستقل تحقیق داشته‌اند. از سوی دیگر آموزش رسمی، دوستان مذهبی، خانواده مذهبی، آموزش غیر رسمی، رسانه، سن و سرمایه اجتماعی به ترتیب بیشترین همبستگی را با ابعاد مختلف دین‌داری داشته‌اند. نوع روابط میان این متغیرها با دین‌داری عموماً مثبت و در سطح متوسط تا قوی است.

واژه‌های کلیدی: دین‌داری، آموزش رسمی مذهبی، دوستان مذهبی، خانواده مذهبی، آموزش غیر رسمی مذهبی، رسانه و سرمایه اجتماعی.

مقدمه و بیان مسأله

دین‌داری از موضوع‌های مهم اجتماعی و از بحث‌های چالش‌برانگیز در حوزه دین‌پژوهی بوده است، دین در ایران معاصر به منزله نیروی اجتماعی بسیار تاثیرگذار نقش ایفا کرده است، چه در تحولات اجتماعی بزرگ نظیر دو انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی و چه در دیگر حرکات‌ها و تغییرات اجتماعی، دین همواره حضور انکار ناپذیر و غیرقابل چشم‌پوشی داشته است. دین‌داری مانند سایر واقعیت‌های اجتماعی متاثر از عوامل گوناگونی است که در این پژوهش سعی شده است عوامل موثر بر این حوزه مورد بررسی قرار گیرد. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی نظام اجتماعی ایران دینی بودن آن است. ایرانیان از دیرباز یکتاپرست بوده و پس از گرویدن به اسلام همواره بدان مؤمن مانده و در بسط و ترویج آن اهتمام ورزیده‌اند. از این‌رو دین و ارزش‌های دینی به عنوان مهم‌ترین منبع پیدایش ارزش‌های عرفی و اجتماعی آن تلقی می‌شود.

حضور فعال دین در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این پدیده را به یکی از مهم‌ترین عناصر تکوین هویت ایرانی بدل ساخته است؛ لذا علاوه بر استحکام و تثبیت در ذهنیت و گرایش‌ات عمومی جامعه در مقام عمل نیز از کارکردهای آشکاری در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی برخوردار بوده و این همه به معنای حضور پر دامنه و گسترده دین در نظام اجتماعی ایران است.

با توجه به نقش و جایگاه دین در حیات اجتماعی ایران، پس از وقوع انقلاب اسلامی این تاکید و توجه بر دین و لزوم گسترش آن در تمامی لایه‌های زندگی فردی و اجتماعی افزایش یافت؛ از این رو کوشش مضاعفی در جهت دینی کردن هر چه بیشتر نظام اجتماعی انجام گرفت و به این منظور نهادهای فرهنگی متعددی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و ... برای تبلیغ، ترویج و نظارت دینی نظام اجتماعی تاسیس گردید.

تا زمانی که پایه‌های مذهبی در یک جامعه قوی و اعضای آن پایبند اعتقادات مذهبی خود باشند اعضای جامعه عموماً به فساد و انحراف از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی روی نخواهند آورد. در عین حال اگر اعتقادات مذهبی اعضای یک جامعه رو به سستی بگذارد و در آن حد کاهش یابد که عده زیادی از افراد دلیلی برای کنترل خود و پرهیز از گناه نبینند و یا کارهای خلاف را گناه و نامشروع نپندارند در آن صورت جامعه به طور جدی با خطر نابودی روبروست؛ بنابراین به همان نسبت که نقش مذهب در جامعه تضعیف شود، نظام اجتماعی و پیوندهای درون آن سست خواهند شد و کنترل جامعه در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی دشوار خواهد بود (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۳۶۰).

علاوه بر آسیب‌های مذکور شکل‌گیری و گسترش جهانی شدن و به دنبال آن عرفی شدن جوامع، مسئولین امر و محققان را بر آن داشت تا در جوانب و ظرایف دین توجه بیشتری مبذول دارند. تحقیقات نشان می‌دهند علیرغم وضعیت نسبتاً مطلوب دین‌داری در ایران، مقایسه روند دین‌داری در میان اقشار مختلف جامعه حاکی از تفاوت التزام دینی گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی است. بدین ترتیب بر خلاف زنان، شهروندان بزرگ‌سال، جوانان دین‌داری کمتری را از خود بروز داده‌اند (قصابی و طاهری، ۱۳۹۰). در سال‌های اخیر تحقیقات ارزنده متعددی در حوزه ساخت مقیاس و سنجش دین‌داری صورت گرفته است.^۱ با این حال کمتر شاهد یک مطالعه تبیینی در خصوص شناخت عوامل و متغیرهای اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری دین‌داری در افراد و ارزیابی سهم هر یک از آنها هستیم.

۱ نگاه کنید به: کاظمی، عباس و مهدی فرجی (۱۳۸۸) سنجش‌های دین‌داری در ایران، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.

با توجه به اهمیت این مسأله و تاکید ویژه‌ای که در سطوح کلان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از سوی مسوولین در جهت دینی شدن هر چه بیشتر جامعه (به ویژه جوانان) صورت گرفته است، مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی موثر در شکل‌گیری و رشد دین‌داری در بخش قابل توجهی از جامعه (جوانان) که به لحاظ کیفی نیز از اهمیت ویژه‌ای برای توسعه آینده کشور برخوردارند ضروری بوده و شناخت مکانیزم‌های پیدایی و متعین‌های اجتماعی در آن از ضرورت‌های استراتژیک محسوب می‌شود.

اهمیت و اهداف تحقیق

دین در حیات فردی، روابط فی مابینی و در سطوح کلان اجتماعی بازیگر فعال جامعه ایرانی است. در نظام اجتماعی ایران دین از کارکردهای منحصر به فردی برخوردار است و افول دین‌داری به منزله‌ی افزایش آسیب‌های فردی و اجتماعی قلمداد می‌شود (سراج زاده، ۱۳۷۷؛ طالبان، ۱۳۸۰؛ ابراهیمی و قصابی، ۱۳۸۹). منظور از کارکرد دین اثر، نقش و تحولی است که دین در انسان یا جامعه بجای می‌گذارد.

به عبارت دیگر پیامدهایی است که به صورت فردی و اجتماعی نمایان می‌شود. یکی از پیامدهای اجتماعی دین همبستگی اجتماعی است. انسان موجودی اجتماعی و ناگزیر از تشکیل اجتماع است. در زندگی اجتماعی مقوله‌هایی چون ثروت، قدرت و سایر امور دنیوی، رقابت‌پذیر و کشمکش‌زاینده و امور معنوی و باورهای مذهبی می‌توانند در تقلیل نزاع‌ها و تخفیف رنج‌های ناشی از چالش‌های انسانی توفیق‌یابند (خسرو پناه، ۱۳۸۲: ۲۶۵).

کنترل درونی افراد جامعه، یکی دیگر از پیامدهای مثبت دین‌داری است. بدین معنی که هر کس ناظری بر اعمال خویش است. این امر موجب نظم و امنیت جامعه خواهد شد. نظارت درونی از طریق باورهای اعتقادی و دینی تحقق می‌یابد و این نوع نظارت، علاوه بر هزینه کم، نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کند (خسرو پناه، ۱۳۸۲: ۲۵۵).

از دیگر پیامدهای مثبت دین‌داری افراد در سطح اجتماع عبارتند از: برپایی عدالت

اجتماعی^۱، آزادی بخشی^۲، زدودن خرافه‌ها (خسرو پناه، ۱۳۸۲: ۲۶۹) و بسترسازی برای تعالی فرهنگ و تمدن (قرا ملکی، ۱۳۸۷: ۱۷۸). بر این اساس افول دین‌داری در جامعه به منزله‌ی بروز برخی مسائل انسانی و پاره‌ای از بحران‌های اجتماعی است.

در سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در خصوص نقش اجتماعی دین در کشور انجام شده است. اما پژوهشی مستقل که به مطالعه نقش عوامل اجتماعی اثرگذار بر شکل‌گیری و قوام دین‌داری در افراد (به ویژه جوانان) پردازد کمتر انجام شده است. در این پژوهش سعی شده است، ضمن استفاده از تحقیقات پیشین به سنجش وضعیت دین‌داری جوانان و بررسی مهم‌ترین عوامل اجتماعی اثرگذار در آن و مطالعه سهم هر یک از آن‌ها پرداخته شود.

اهداف تحقیق

شناسایی وضعیت دین‌داری جوانان.

مطالعه وضعیت ابعاد دین‌داری در افراد مورد مطالعه.

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری دین‌داری در جوانان.

سنجش و مطالعه سهم هر یک از عوامل اجتماعی مؤثر در بروز و پیدایش دین‌داری و اولویت‌بندی بین این عوامل.

سنجش و مطالعه سهم هر یک از عوامل اجتماعی مؤثر در بروز و پیدایش ابعاد و اشکال دین‌داری.

ملاحظات نظری

در این جا ابتدا به بررسی مفاهیم پرداخته سپس با طرح چارچوب نظری مربوط به موضوع این بحث را ادامه می‌دهیم.

۱ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ (نساء/۱۳۵).

۲ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ. (نحل/۳۶) وَ يُضَعُّ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَعْلَاقَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (اعراف/۱۵۷).

دین^۱ و دین‌داری^۲

برخی مشکل وجود تعدد و تنوع در تعریف دین را نه از ناحیه بماهو دین، بلکه ناشی از معضل عام تعریف مفاهیم فرهنگی، که معمولاً حامل بار معنایی مختص و منحصر به هر جامعه است، می‌دانند. با این ملاحظه، تمامی تعاریف دین بر نوعی نگرش قوم مدارانه استوارند و به دینی خاص، در ظرف فرهنگی مشخص نظر دارند و در نتیجه، امکان پدید آمدن هر نوع گفتمانی در این حوزه را در ظرف فرهنگی مشخص نظر دارند و در نتیجه، امکان پدید آمدن هر نوع گفتمانی در این حوزه را از پیش منتفی اعلام می‌نمایند. ویلیام جیمز از جمله کسانی است که در مواجهه با این تنوع حل نشده، به این نتیجه رسیده است که واژه دین تنها یک اشتراک لفظی است و به کارگیری توأم با مسامحه آن برای این انواع فراوان نمی‌تواند و نباید موید وجود اصل یا ذات واحدی برای آن باشد (شجاعی زند، ۱۳۷۸). پارسونز می‌گوید: مسأله «تعریف دین» نقش مهمی در توسعه جامعه‌شناسی دین داشته است. شاید بتوان گفت که جامعه‌شناسی دین حاصل تلاش‌های اولیه‌ای است که به منظور تعریف موضوع دین صورت گرفته است (ترنر، ۱۹۸۳: ۳۹).

نگرش و رفتار^۳

هم در تئوری رفتارگرا و هم در تئوری شناختی، محققان بر این باورند که افراد با نگرش به دنیا نمی‌آیند، بلکه در روند اجتماعی شدن طی دوران کودکی و نوجوانی نگرش‌ها را کسب می‌کنند. در تئوری رفتارگرایی، همه فعالیت‌های بشری به واحدهای رفتاری تقلیل می‌یابد. طبق این تئوری، نگرش‌ها می‌توانند از پاسخ‌هایی که فرد به موقعیت‌های اجتماعی می‌دهد، استنتاج شوند. انتقادی که به تئوری رفتارگرایی می‌شود این است که در این تئوری، نگرش تنها متغیر وابسته و در نتیجه تنها عامل تعیین کننده رفتار فرد در نظر گرفته می‌شود، در حالی که عوامل دیگری نظیر سن، جنسیت، زادگاه فرد، عضویت گروهی و سابقه زبانی وی نیز می‌تواند بر رفتارش تأثیر بگذارد (مک کنزی، ۲۰۱۰). رفتارها معمولاً منعکس کننده نگرش‌ها و باورهای

1Religion

2Religiosity

3 attitude

بنا نهاده شده هستند. به طور ایده آل، نگرش‌های مثبت، رفتارهای تعدیل و تنظیم شده را آشکار می‌سازند. اگرچه در برخی موارد این امکان وجود دارد که نگرش‌های سالم، رفتاری مضر را نتیجه دهند. در نتیجه همیشه این گونه نیست که نگرش سالم منجر به رفتاری سالم گردد. علاوه بر نگرش، عوامل بی‌شمار دیگری هم وجود دارند که بر رفتار تأثیر می‌گذارند، که خود این امر بر سالم یا ناسالم بودن رفتار تأثیر گذار است. (استریکلند، ۲۰۰۱). بنابراین، برخی محققان بر این باورند که نگرش‌ها رفتار را شکل می‌دهند و برخی دیگر بر عکس این امر را قبول دارند. به عنوان مثال، آبلسون^۱ طبق تئوری سازگاری، جونز^۲ طبق تئوری اختیار، و بم^۳ طبق تئوری خودآگاهی بر این باورند که رفتار نگرش را شکل می‌دهد. بین این نزاع که رفتار شکل دهنده نگرش است یا نگرش شکل دهنده رفتار، محققانی نظیر بلالوک، شومن و جانسون بر این باورند که نگرش‌ها و رفتار می‌توانند تأثیرات متقابل و متداولی بر هم داشته باشند. به عنوان مثال، نگرش‌های فعلی شما می‌تواند شما را مستعد سازد تا به نحوی خاص رفتار کنید. پس نگرش می‌تواند منجر به رفتاری خاص بشود. اگر شما مطابق نگرش‌هایتان رفتار کنید، این امر نگرش‌های شما را می‌تواند تقویت کند. اگر با نگرش‌های خود متناقض رفتار کنید، بنابراین شما ممکن است نگرش‌های بعدی خود را تغییر دهید. در نتیجه، شناسایی تأثیرات جداگانه نگرش‌ها و رفتارها بر هم آسان نیست و پیچیدگی‌های خاصی را در بر دارد (کوک و همکار، ۱۹۸۴).

تأثیر متقابل نگرش و رفتار والدین با فرزندان

در کل نگرش‌های مربوط به پدر و مادر پیش‌بینی قابل توجهی در زمینه نگرش‌ها و باورهای فرزندان‌شان فراهم می‌سازد و در واقع، رابطه‌ای مستقیم میان تأثیر نگرش والدین و پیش‌بینی نگرش‌های فرزندان وجود دارد (کوک و همکار، ۱۹۸۴). مطابق دیدگاه تحولی، نگرش‌ها در سنین نوجوانی و جوانی بسیار مستعد تغییر هستند، اما این میل به تغییر با ورود آن‌ها به سنین پایانی بیست سالگی و اوائل سی سالگی رو به کاهش می‌گذارد و آن زمانی است که

1 Abelson

2 Jones

3 Bem

ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده داده و مشغول به انجام شغلی شده و به عبارتی، سبک زندگی ثابتی را اتخاذ می‌کنند. این در واقع زمانی است که با والدین خود در زمینه نگرش شباهت‌هایی پیدا می‌کنند. اگر چه این به آن معنا نیست که بزرگ‌سالان هیچ‌گاه با تغییر در نگرش مواجه نمی‌شوند، بلکه حاکی از این امر است که تغییر در نگرش در بزرگ‌سالان در مقایسه با نوجوانان و جوانان بسیار ناچیز و اندک است (میلر و همکار، ۱۹۸۹: ۳۰).

نظریه دین دورکیم

در واقع دین چیزی جز نیروی جامعه بر افراد نیست. دین نظامی عقیدتی است که افراد به وسیله آن خود را با جامعه هماهنگ کرده و روابط مبهم و در ضمن صمیمانه‌شان را از این طریق با جامعه بیان می‌کنند؛ بنابراین دین یک توهم یا چیزی ساختگی نیست، بلکه واقعیتی محصول جامعه است (همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۷۶). دورکیم معتقد بود که مذهب ارتباطات اخلاقی را ایجاد و حفظ می‌کند. اعتقادات مذهبی قوی در یک جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای گروه را به وسیله اضافه کردن یک بعد مقدس به زندگی روزمره، تقویت و تحکیم می‌بخشد. شعایر مذهبی از طریق جمع کردن مردم در یک محل، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. مشارکت در انجام شعایر و مناسک مذهبی، چیزی بیشتر از حضور اعضا را به افراد القا می‌نماید (جلالی مقدم، ۱۳۷۹: ۹۸-۹۵).

چارچوب نظری تحقیق

. همچنانکه مباحث پیش گفته نیز نشان می‌دهند اجتماعی شدن یا جامعه پذیری نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری نگرش، احساس و رفتار افراد دارد. در این میان رفتار دینی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین اجتماعی شدن و نظریه‌های مرتبط با آن در تعیین عوامل مرتبط با دین‌داری بسیار حائز اهمیت‌اند. در زیر نظریه کنش متقابل نمادین و نقش‌پذیری به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح شده در پارادایم اجتماعی شدن برای تبیین بحث ارائه می‌گردد.

نظریه کنش متقابل نمادین

بنابر نظر صاحب‌نظران این مکتب موجودیت اجتماعی انسان از طریق زبان، ارتباطات میان فردی و تعاملات اجتماعی با دیگر افراد شکل می‌گیرد. هر فرد قوانین مربوط به تعامل اجتماعی را در مقاطع مختلفی از زندگی فرا می‌گیرد. انسان با آگاهی از این قوانین و با به‌کارگیری آن‌ها قادر به کنترل تعاملات اجتماعی خود با دیگران است، دیگرانی که نسبت به او موقعیت‌های مختلفی دارند. ممکن است آن‌ها پیرتر و یا جوان‌تر و یا از نظر اجتماعی مقام و منزلت پایین و یا بالاتری داشته باشند (نرسیسیانس، ۱۳۸۴: ۶۹). فرایند اجتماعی شدن از کودکی آغاز می‌گردد، از زمانی که نوزاد در درون نهاد خانواده متولد می‌شود و رشد می‌یابد، قوانین اجتماعی به وی آموزش داده می‌شود. یکی از این قوانین، مجموعه آموزه‌هایی است که تحت عنوان مذهب به افراد القاء می‌شود. دین‌داری قوانین و هنجارهای از پیش تعریف شده‌ای است که از طریق عوامل اجتماعی شدن در جامعه نهادینه می‌شود. قوانین دینی می‌توانند از مجرای عواملی چند از نسلی به نسل دیگر انتقال یابند. در زیر به این عوامل و نقش آن‌ها در دین‌داری اشاره می‌گردد. اما پیش از مطالعه نقش عوامل اثرگذار در بروز و ظهور دین‌داری بررسی مفهوم نقش‌پذیری به عنوان مکانیزم اصلی اجتماعی شدن ضرورت دارد.

نقش‌پذیری

نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند. نقش‌های مناسب، به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته می‌شوند و سپس او آن‌ها را می‌پذیرد (کوئن، ۱۳۸۷: ۸۰). اجرا و ایفای نقش، عامل اصلی در تولید و رشد «خود» است. چنان‌چه فرد تعریف از «خود» را که از دیگران اخذ شده، هر چه عمیق‌تر بپذیرد، نقش‌های اخذ شده را بیشتر به عنوان خود خویش در نظر می‌گیرد. پذیرش کامل‌تر و پایاتر دیدگاه‌های بیرونی نسبت به «خود»، نقش‌پذیری خوانده می‌شود. «اجرای نقش» رشد «خود» را ممکن می‌سازد و نقش‌پذیری به خود «هویت» می‌بخشد (اسکیدمور، ۱۳۸۵: ۲۸۸).

هنجارپذیری و هنجار آفرینی

نخستین چهره اجتماعی انسان به صورت هنجارپذیری آشکار می‌شود که در آن جنبه انفعالی بیشتری دیده می‌شود. هنجارپذیری حاکی از عملی است که فرد در جریان آن، فعالیت‌های شناختی، هیجانی و ارادی دارد و به همین دلیل باید آن را عمل محسوب کرد. اما آدمی علاوه بر هنجارپذیری، هنجار آفرینی نیز دارد و در جریان آن، دگرگونی‌هایی در هنجارهای موجود فراهم می‌آورد و از این طریق، تحول در هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را به ظهور می‌رساند. هنجار آفرینی، عاملیت انسان را به صورتی برجسته نشان می‌دهد زیرا در اینجا با چهره فعالانه عمل آدمی روبرو هستیم. در حالی که هنجارپذیری، گونه‌ای انفعالی‌تر از عمل انسان را به نمایش می‌گذارد، هنجار آفرینی، گونه‌ای فعالانه‌تر از عمل را در برابر دیدگان ما قرار می‌دهد.

در مطالعات فرهنگ‌شناسان و انسان‌شناسان نیز پدیده هنجار آفرینی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این بررسی‌ها به این نکته توجه شده است که افراد آدمی علاوه بر این که به جذب ارزش‌های فرهنگی می‌پردازند، به نوبه خود بر تکوین هنجارهای جدید نیز اثر آفرینی می‌کنند (گال و همکاران، ۱۳۸۳).

آموزش و عوامل اجتماعی شدن

آموزش کلیدی‌ترین بخش عوامل اجتماعی کردن است. عوامل اجتماعی شدن (نظیر مدرسه، خانواده، گروه مرجع و ...) همگی از طریق آموزش می‌توانند بر فرد تأثیر گذارند. اریکسون^۱ در مقاله‌ای با عنوان رشد و تعهد مذهبی نوجوانان به نقش خانواده، گروه همسالان و آموزش پرداخته است. از نظر وی آموزش مهم‌ترین عنصر در میان عوامل جامعه‌پذیری است. در جامعه‌پذیری دینی، سایر عوامل اجتماعی شدن از طریق آموزش دینی است که می‌توانند بر فرد اثر گذار باشند (اریکسون، ۱۹۹۲: ۱۳۱-۱۳۲).

فرد در تعامل با عوامل اجتماعی شدن با آموزه‌هایی مواجه می‌شود که به صورت هدفمند و یا ناخودآگاه ارائه شده و آموزش داده می‌شوند. عوامل موثر بر جامعه‌پذیری در فرایند زندگی

1 Joseph A. Erickson

به نحوی نیتمند و یا غیر نیتمند به آموزش فرد کمک می‌کند. بنابراین میزان آموزش رسمی و غیررسمی دینی در فرایند زندگی بر دین‌داری افراد مؤثرند. از سوی دیگر همچنان که پیتز برگر به نقش تحصیلات و آموزش‌های دانشگاهی اشاره می‌کند در برخی از رشته‌های تحصیلی نسبت به سایر رشته‌ها التزام کمتری نسبت به دین‌داری مشاهده می‌شود (سراج زاده، ۱۳۷۴: ۵۱).

سن و نقش‌پذیری

آرگیو بر اساس نظریه نقش اجتماعی نتیجه می‌گیرد که در فرایند نقش‌پذیری، فرد با تغییرات شخصیتی مواجه می‌شود و این تغییرات مرتبط با نقش اجتماعی او است. نقش‌های اجتماعی و نقش‌پذیری پایه‌ای که فرد در گذشته و در سنین پایین‌تر - به ویژه در خانواده - بر عهده داشته است با افزایش سن تأثیر مستقیمی بر شخصیت، ارزش‌ها و نگرش‌های فرد در سنین بالاتر خواهد داشت. بدین ترتیب اگر نقشی که فرد در دوران کودکی بر عهده دارد و آموزش‌هایی که در درون خانواده بر اساس جنسیت به او واگذار می‌شود، دینی‌تر باشد در بزرگسالی نیز دین‌دارتر خواهد بود و هر چه بر سن فرد افزوده شود دین‌داری بیشتری را از خود بروز خواهد داد (جانسون، ۱۹۹۹: ۴۲۵).

جنسیت و نقش‌پذیری

بران^۱ در تبیین دین‌داری از تفاوت‌های جنسیتی مبتنی بر موقعیت اقتصادی جامعه استفاده می‌کند. به زعم وی مردان در مقایسه با زنان وقت کمتری برای فعالیت‌های مذهبی و مناسک آن سپری می‌کنند این بدان دلیل است که آن‌ها نسبت به زنان فرصت کمتری برای انجام فرائض دینی در اختیار دارند. بنابراین مردها در برخی از ابعاد دین‌داری و به ویژه دین‌داری مناسکی، حضور کم رنگ‌تری در برگزاری و حفظ الگوهای دینی دارند. بران بر نوع اجتماعی شدن زنان و مردان که منجر به تفاوت‌های جنسیتی دینی آنان شده است نیز تأکید می‌کند. به زعم وی تفاوت نقش‌پذیری دینی جنسیتی در جوامع مختلف بسته به چهارچوب اقتصادی آن

1 Pablo Bran

جامعه متفاوت است. اقتصاد مبتنی بر کار مرد و وجود تقسیم کار در آن (بران، ۲۰۰۴: ۲۱).

خانواده

رابرتسون (۱۳۷۷: ۱۲۸) معتقد است خانواده، موقعیت ویژه‌ای در ساخت اجتماعی داراست و ارزش‌ها و انتظاراتی که کودکان می‌آموزند، تا حد زیادی به ارزش‌ها و هنجارهای والدین آن‌ها بستگی دارد. در این راستا، رفتار دینی والدین و التزام به دیانت در میان آن‌ها همیشه الگوی پر قدرتی برای فرزندان است؛ به گونه‌ای که نماز به موقع والدین، عبادت خالصانه و ابراز محبت به اولیای خداوند از جانب پدر و مادر می‌تواند تأثیر شایسته‌ای در دین‌داری فرزندان داشته باشد (حسینی، ۱۳۷۳: ۳۲).

همسالان و دوستان

در دوران نوجوانی، همسالان و دوستان نقش مهمی در فرایند اجتماعی شدن فرد ایفاء می‌کنند. نوجوانان از طرق مختلف بر یکدیگر تأثیر گذارند. کودکان و نوجوانان برای رسیدن به رشد اجتماعی مطلوب باید با همسالان خود روابط مناسبی برقرار نمایند. در ضمن همین روابط با همسالان است که ارزش‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی به نحو هر چه مطلوب‌تر و کامل‌تری به افراد آموخته می‌شود. همسالان می‌توانند از طریق الگوسازی و تعامل هم‌سطح ارزش‌های اجتماعی و دینی را به یکدیگر انتقال دهند. نقش دوستان و همسالان کودک یا نوجوان در ترغیب آنان به رفتارهای دینی از اهمیت زیادی برخوردار است. به طور مثال هر چه دوستان نزدیک در برگزاری نماز پایبندی بیشتری داشته باشند تأثیر بیشتری بر فرد خواهند گذاشت (اکبری، ۱۳۸۱: ۳۵۶).

مدرسه

مکانی است که عهده دار آموزش رسمی به دانش‌آموزان است و یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی شدن محسوب می‌شود. قرار گرفتن کودکان در چارچوبی تعریف شده، روابط آنان با کادر آموزشی مدرسه و با کودکان هم‌سال که به شکل‌گیری گروه همسالان یا همالان منجر

می‌شود تأثیر زیادی در شکل‌گیری شخصیت آن‌ها دارد. هم‌چنین نباید از اهمیت آن‌چه از سوی جامعه‌شناسان «برنامه‌ی آموزشی پنهان» مدرسه نامیده شده و در ارتباط با گروه همسالان به وجود می‌آید غافل بود (زارعی، ۱۳۸۲: ۲۴).

رسانه و دین

پیرامون این مسأله دو دیدگاه عمده قابل طرح است. این دو رویکرد عبارتند از: رویکرد فناوری محور و دیگری رویکرد محتوا محور یا معنا محور.

در رویکرد فناوری محور غالباً بر این امر تأکید می‌شود که تحول فناورانه در جهان رسانه‌ای همراه با تحولات اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی در زمان انقلاب صنعتی و رنسانس فکری اروپا رخ داده است. این رسانه‌ها که محصول یا بخشی از فرایند جدایی دین از جامعه، دین از حکومت و دین از عرصه‌های مختلف اجتماعی هستند طبیعتاً اهمیت چندانی برای دین قائل نیستند. این دست از نظریه پردازان بر تقابل ذاتی میان دین و رسانه‌های جدید تأکید دارند (آشنا، ۱۳۸۲: ۸).

مک لوهان تا آنجا پیش می‌رود که شناخت صحیح از یک فرهنگ را مبتنی بر شناخت ابزار مبادله پیام می‌داند و می‌نویسد: «برای حصول به درک واقع و شناخت روشنی از یک فرهنگ باید به مطالعه ابزارهایی پرداخت که در آن فرهنگ برای تبادل افکار و مبادله پیام‌ها به کار گرفته می‌شود» (پستمن، ۱۳۷۵: ۵). وی معتقد است که تحول در رسانه‌ها می‌تواند بر ماهیت تجربه انسان‌ها اثرگذار باشد (آننگ، ۱۹۶۷: ۳۴).

در این نظریه از هر ابزار ارتباطی با شعاع و حوزه تأثیر خاص آن نمی‌توان ارتباط و تبادل هر موضوع و هر محتوایی را توقع داشت. نباید چنین پنداشت آنچه را که از طریق ابزاری خاص می‌توان عنوان نمود با استفاده از هر ابزار دیگری بدون آن که معنی، صورت و ساختار آن دست‌خوش دگرگونی شود، بتوان بیان کرد.

در مقابل این دیدگاه که فناوری را در بر دارنده بار ایدئولوژیک می‌داند رویکرد دیگری وجود دارد که معتقد به ابزاری بودن صرف رسانه‌هاست و نگرش ابزارانگاره‌ای نسبت به رسانه‌ها دارد. این دیدگاه به رویکرد محتوا محور و یا معنا محور معروف است.

رویکرد محتوا محور یا معنا محور رسانه‌ها را دارای بار ابزاری می‌داند. در این رویکرد در زندگی بشر دین به عنوان مهم‌ترین نهاد معنی بخش مطرح می‌شود. در این جا کوشش می‌شود تا دین کارکرد اصلی خود را با تکیه بر ابزارهای موجود به اجرا درآورد. از این نظرگاه تنها با وقوع چنین اتفاقی است که در آینده شاهد خانواده دینی، آموزش و پرورش دینی و رسانه‌هایی با رویکرد دینی خواهیم بود (آشنا، ۱۳۸۲: ۸).

در این دیدگاه رسانه‌های جدید تداوم رسانه‌هایی هستند که در خدمت دین بوده‌اند و بنابراین ابزار تبلیغ دین تحول یافته است اما این به معنای تحول در بنیادهای دین نیست بلکه در این جا ارتقای سطح و قدرت رسانه‌ها و ابزار ارتباطی مد نظر است. در این رویکرد، رسانه‌ها با دین در تقابل ذاتی قرار ندارند هر چند رسانه‌ها عمدتاً غربی و اصولاً تجاری هستند اما طرفداران این رویکرد معتقدند که رسانه‌هایی نیز در غرب رشد کرده‌اند که دینی متولد شده، دینی تحول یافته‌اند و دینی مورد استفاده عموم مردم قرار گرفته‌اند (آشنا، ۱۳۸۲: ۹).

این دو رویکرد نظریه‌های «رسانه‌های قدرتمند» را فرض انگاشته و قدرت پیام‌های وسایل ارتباط جمعی را در شکل دادن به ارزش‌های فرهنگی مورد تأکید قرار می‌دهند. با این تفاوت که یکی رسانه‌ها را دارای بار ایدئولوژیک می‌داند و دیگری آن را ابزاری خنثی تلقی می‌کند که در خدمت فرستنده پیام قرار دارد.

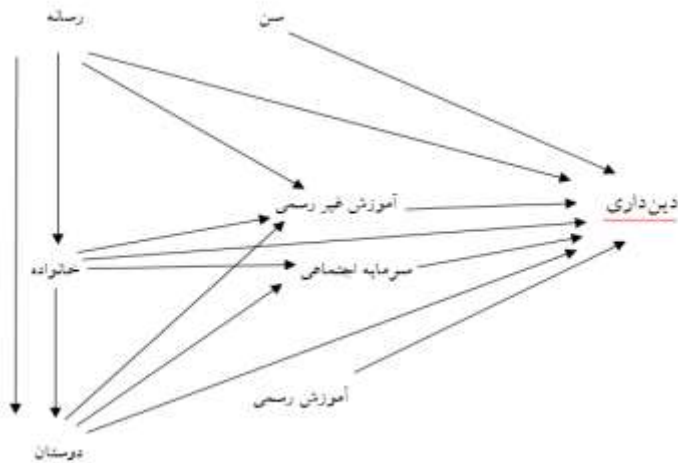
دین‌داری و سرمایه اجتماعی

کارکرد سرمایه اجتماعی زمانی قابل مشاهده است که افراد نسبت به روابط با دیگران مهم متعهد هستند. این کارایی می‌تواند به اهداف ابرازی یا ابزاری مرتبط باشند. به عبارت دیگر، میل به تصاحب سرمایه اجتماعی بیشتر یا معطوف به حفظ منابع موجود است و یا به دستیابی به منابع جدید بیشتر ارتباط می‌یابد (لین، ۲۰۰۱). به طور مثال سرمایه اجتماعی موجود در روابط نزدیک و عمیق بین افراد برای حفظ سلامتی و احساس خوشبختی اهمیت دارد. علاوه بر این سرمایه اجتماعی بیشتر و ارتباطات متنوع و گسترده‌تر احتمال دستیابی به منابع بیشتری چون شغل و فرصت‌های دیگر (از جمله اطلاعاتی که به آسانی در اختیار افراد قرار نمی‌گیرد) را تسهیل می‌کند (پوتنام، ۲۰۰۰).

در مجموع سرمایه اجتماعی از طریق منابع رسمی و غیر رسمی با اعضای خانواده، مدرسه و محله قابل حصول است. این شبکه‌های تعلقات اجتماعی نوعی چارچوب هنجاری از رفتارها را ارائه می‌کند؛ این امر با ارائه معیارهایی برای انتظارات صورت می‌گیرد که اعمال و فعالیت‌های خاصی را تجویز کرده یا منع می‌کند. این امر موجب افزایش اعتماد متقابل و کنترل اجتماعی افراد به هم وابسته می‌گردد. در نتیجه کنترل اجتماعی است که افراد به پیروی و اطاعت از ارزش‌ها و هنجارهای گروه روی آورده و به آن احترام می‌گذارند.

دین‌داری در هر جامعه یکی از مهم‌ترین رفتارهای پسندیده و ارزشی است. از این حیث و به واسطه کسب سرمایه اجتماعی بیشتر افراد به دین‌داری روی می‌آورند. از این حیث بین سرمایه اجتماعی و دین‌داری یک رابطه دو سویه و رفت و برگشتی وجود دارد. از یک سو دین‌داری و عضویت در گروه‌های دینی موجب افزایش سرمایه اجتماعی فرد در گروه می‌شود (اعتماد گروه به فرد و روابط وی با افراد گروه در جهت مثبت بیشتر می‌شود) و از سوی دیگر سرمایه اجتماعی موجود انگیزه لازم برای دین‌داری بیشتر را در فرد فراهم می‌سازد.

مدل تحلیلی



فرضیات تحقیق

به نظر می‌رسد میان آموزش رسمی کودکان در کودکی و دین‌داری رابطه معناداری وجود

دارد.

به نظر می‌رسد میان آموزش غیررسمی و دین‌داری رابطه معناداری وجود دارد.
به نظر می‌رسد میان خانواده افراد و دین‌داری آنان رابطه معناداری وجود دارد.
به نظر می‌رسد میان دوستان افراد و دین‌داری آنان رابطه معناداری وجود دارد.
به نظر می‌رسد میان سن افراد و دین‌داری آنان رابطه معناداری وجود دارد.
به نظر می‌رسد میان جنسیت افراد و دین‌داری آنان رابطه معناداری وجود دارد.
به نظر می‌رسد میان وضعیت تاهل افراد و دین‌داری آنان رابطه معناداری وجود دارد.
به نظر می‌رسد میان میزان تحصیلات افراد و دین‌داری آنان رابطه معناداری وجود دارد.
به نظر می‌رسد میان رسانه و دین‌داری رابطه معناداری وجود دارد.
به نظر می‌رسد میان سرمایه اجتماعی و دین‌داری رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع روش پیمایشی^۱ و مقطعی^۲ است؛ از میان تکنیک‌های گردآوری اطلاعات از پرکاربردترین آن‌ها یعنی پرسش‌نامه خود اجرا^۳ استفاده شده است. پرسش‌نامه تکنیک ساخت‌مندی برای گردآوری داده‌هاست که در آن از هر پاسخ‌گو مجموعه یکسانی از پرسش‌ها پرسیده می‌شود (دواس، ۱۳۸۳: ۸۷). دلیل انتخاب تکنیک خود اظهاری برای گردآوری اطلاعات آن است که این تکنیک معمولاً بیش‌تر برای اندازه‌گیری امور دینی به کار می‌رود. در این روش به جای استفاده از آمارهای رسمی، پاسخگویان خود وضعیت پایبندی و التزام به دین را گزارش می‌دهند. این روش اساساً تکنیکی است که به منظور برآورد میزان دین‌داری در میان گروه‌های مختلف اجتماعی به کار می‌رود (برور وهانتر، ۱۳۷۷: ۸۵). در این روش اطلاعات مربوط به دین‌داری به وسیله شخص پژوهش‌گر جمع‌آوری می‌شود و از پاسخگویان به وسیله پرسشنامه در مورد رفتار دین‌دارانه‌ای که دارند پرسش می‌شود.
جامعه آماری پژوهش حاضر، جوانان مرد و زن بین ۱۹ تا ۲۹ سال مناطق شهری تهران

1 Survey

2 Cross-sectional

3 Self-administrated Questionnaire

است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از مرکز آمار ایران^۱ در سال ۱۳۸۵ حجم جامعه آماری پژوهش حاضر ۱۸۳۰۰۲۰۱ نفر می‌باشد که از این تعداد، ۹۰۰۸۰۹ نفر مرد و ۹۲۹۰۳۹۲ نفر زن بوده‌اند. در این تحقیق، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شده است. بر این اساس ۳۷۶ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند که برای افزایش دقت مطلوب آن را به ۴۰۰ نفر افزایش داده و به افراد واجد شرایط برای تکمیل کردن تحویل داده شد.

روش نمونه‌گیری برای تحقیق حاضر، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. در این روش نمونه‌گیری با توجه به هدف اصلی تحقیق، ابتدا از میان مناطق یا حوزه‌ها (خوشه‌ها) چند منطقه یا حوزه انتخاب می‌گردد. متعاقباً از میان مناطق بزرگ نمونه‌گیری به عمل می‌آید و رفته رفته از هر حوزه نمونه‌ها به صورت تصادفی انتخاب می‌گردند.

بدین ترتیب ابتدا مناطق ۲۲ گانه تهران به پنج بخش اصلی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شده و از هر بخش به طور تصادفی یک منطقه انتخاب می‌گردد (مناطق ۳ قلعهک و ونک)، ۱۱ (انقلاب و جمهوری اسلامی)، ۱۶ (راه آهن و میدان بهمن)، ۱۳ (پیروزی و تهران نو) و ۲۲ (دهکده المپیک و شهرک شهید باقری)). در مرحله بعد حجم نمونه برآمده از فرمول کوکران را به طور برابر از این مناطق انتخاب نموده‌ایم.

تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از بسته‌ی نرم‌افزاری SPSS و با بهره‌گیری از آماره‌های توصیفی (نمودارها و آماره‌های جداول توزیع فراوانی) و استنباطی (آزمون t ، تحلیل واریانس، رگرسیون چند متغیره، تحلیل مسیر و سایر آزمون‌های مقتضی) صورت گرفته است.

اعتبار و پایایی

اعتبار یا فقدان اعتبار به خود سنجه مربوط نمی‌گردد، بلکه به کاربرد آن برای سنجش موضوع مورد بررسی برمی‌گردد. در واقع، سنجه معتبر سنجه‌ای است که همان چیزی را بسنجد که مورد نظر ماست. از این رو اعتبار سنجه به نحوه تعریف مفهوم مورد بررسی بستگی دارد.

برای ارزیابی اعتبار سه شیوه اصلی وجود دارد که عبارتند از: اعتبار صوری^۱، معیار^۲ و سازه^۳ (دواس، ۱۳۸۳: ۶۳). از میان این سه شیوه، تحقیق حاضر از شیوه اعتبار سنجی صوری سود جسته است. اعتبار صوری به معنی شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران است. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظر چند تن از خبرگان این حوزه به این نتیجه رسیده‌ایم که شاخص‌های گنجانده شده در سؤالات پرسشنامه معرف حوزه‌ی معنایی مفاهیم مورد مطالعه هستند.

سنجشی دارای روایی است که در صورت تکرار آن در زمان‌ها و مکان‌های دیگر به نتایج یکسان برسد (دواس، ۱۳۸۳: ۶۲). چند روش جا افتاده در آزمون پایایی شاخص‌ها وجود دارد که در پژوهش فعلی، ضریب آلفای کرونباخ مورد استفاده واقع شده است. آزمون مقدماتی مقیاس‌های تدارک دیده شده برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته یعنی دین‌داری، آموزش‌های رسمی و غیر رسمی، خانواده، مدرسه، همسالان، رسانه‌ها، سرمایه اجتماعی، سن، جنسیت و تحصیلات با تکیه بر پرسشنامه اولیه تهیه و تنظیم گردید. برای استانداردسازی و اندازه‌گیری مقیاس‌های ساخته شده، این مقیاس‌ها در قالب پرسشنامه‌ای تنظیم و به شکل اتفاقی میان ۳۰ نفر از جوانان شهر تهران توزیع شد، پس از اجرای این مرحله دریافتیم گویه‌های تنظیم شده قدرت سنجش بالایی داشته و از همبستگی بالایی برخوردار بوده‌اند و نیازی به تغییر پرسش‌نامه نیست.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

این پژوهش دارای ۱۰ متغیر مستقل آموزش رسمی، آموزش غیر رسمی، خانواده، دوستان، رسانه‌ها و سرمایه اجتماعی، سن، جنسیت و میزان تحصیلات افراد و همچنین یک متغیر وابسته دینداری است، که متغیر دین‌داری دارای ابعاد اعتقادی، تجربی یا عاطفی، پیامدی و مناسکی است که در این قسمت به توصیف این متغیرها پرداخته‌ایم. همانطور که در جدول زیر مشاهده

1 Formal Validity

2 Criterion Validity

3 Construct Validity

می‌شود، ۷۴.۸ درصد پاسخگویان به میزان خیلی زیاد به بعد اعتقادی دین‌داری پایبند بوده و ۴۳.۸ درصد به میزان زیاد به بعد تجربی یا عاطفی، ۴۴.۵ درصد به میزان زیاد به بعد پیامدی و ۴۴.۵ درصد به میزان زیاد به بعد مناسکی دین‌داری پایبند بوده‌اند.

طبق نتایج به‌دست آمده از پاسخ‌ها، ۴۹.۳ درصد پاسخگویان آموزش رسمی را به میزان زیاد در دین‌داری مؤثر دانسته‌اند. ۳۷.۸ درصد پاسخگویان نیز به میزان کمی آموزش غیر رسمی را مؤثر دانسته و ۴۴.۳ درصد خانواده را به میزان زیاد در دین‌داری مؤثر دانسته‌اند. ۲۵.۵ درصد به میزان متوسط دوستان و همسالان را در دین‌دار مؤثر دانسته و ۵۰.۸ درصد نیز به میزان متوسط رسانه‌ها را و ۳۲.۸ درصد نیز سرمایه اجتماعی را به میزان زیادی در شکل‌گیری دین‌داری افراد مؤثر دانسته‌اند.

جدول ۱: توزیع درصد متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

درصد					ابعاد	نام متغیر
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۷۴.۸	۱۶.۳	۶.۵	۲	۰.۵	اعتقادی	دین‌داری
۳۳.۳	۴۳.۸	۱۷.۳	۵	۰.۸	تجربی یا عاطفی	
۱۸	۴۴.۵	۳۰.۸	۵.۸	۱	پیامدی	
۱۶	۴۱.۳	۳۰.۳	۱۱.۸	۰.۸	مناسکی	
۱۳.۳	۴۹.۳	۲۹.۵	۶	۲		آموزش رسمی
۱	۶.۵	۱۹.۳	۳۷.۸	۳۵.۵		آموزش غیر رسمی
۳.۸	۴۴.۳	۳۳	۱۵.۸	۰.۳		خانواده
۱۰	۱۷	۲۵.۵	۲۰.۵	۲۷		دوستان
۱.۸	۱۷.۵	۵۰.۸	۲۲.۳	۷.۸		رسانه
۲۷.۳	۳۲.۸	۱۵	۱۰.۸	۱۴.۳		سرمایه

همانطور که از نتایج فوق بر می‌آید بعد اعتقادی دین‌داری بیشترین پایبندی را میان پاسخگویان در این پژوهش را دارا بوده و آموزش غیررسمی دارای کم‌تاثیرترین عامل در

دین‌داری افراد شناخته شده است.

آمار استنباطی

در این بخش به اشکال مختلف به آزمون روابط میان متغیرهای تحقیق خواهیم پرداخت. در ابتدا با استفاده از آزمون‌های آماری به مطالعه روابط میان متغیرهای مستقل تحقیق و دین‌داری می‌پردازیم و بدین وسیله ابطال یا عدم ابطال فرضیات اصلی تحقیق را به محک تجربه خواهیم سنجید. در مرحله بعد به بررسی روابط همبستگی میان ابعاد دین‌داری و متغیرهای مستقل تحقیق مبادرت می‌ورزیم. در پایان با ارائه تحلیل رگرسیونی به بررسی سهم هر یک از متغیرهای اصلی تحقیق در متغیر دین‌داری خواهیم پرداخت.

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد میان آموزش رسمی کودکان در کودکی و دین‌داری رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون این فرضیه (۰.۰۰) این رابطه در سطح بالای معنادار است. با توجه به ضریب همبستگی ۰.۷۲ که مثبت است پس این رابطه مستقیم است و می‌توان گفت هرچه بهره‌مندی افراد از آموزش رسمی دینی بیشتر باشد میزان دین‌داری در این افراد افزایش می‌یابد.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد میان آموزش غیر رسمی رسمی و دین‌داری رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون این فرضیه (۰.۰۰) این رابطه در سطح بالای معنادار است. با توجه به ضریب همبستگی ۰.۵۹ که مثبت است پس این رابطه مستقیم است و می‌توان گفت هرچه بهره‌مندی افراد از آموزش غیر رسمی دینی بیشتر باشد میزان دین‌داری در این افراد افزایش می‌یابد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد میان خانواده افراد و دین‌داری آنان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون این فرضیه (۰.۰۰) این رابطه در سطح بالای معنادار است. با توجه به ضریب همبستگی ۰.۶۲ که مثبت است پس این رابطه مستقیم است و می‌توان گفت هرچه افراد در خانواده مذهبی‌تری باشند این افراد دین‌دارتر خواهند بود.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد میان دوستان و همسالان افراد و دین‌داری آنان رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون این فرضیه (۰.۰۰) این رابطه در سطح بالایی معنادار است. با توجه به ضریب همبستگی ۰.۶۸ که مثبت است پس این رابطه مستقیم است و می‌توان گفت هرچه افراد دوستان مذهبی تری داشته باشند این افراد دین‌دارتر خواهند بود.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد میان رسانه‌ها و دین‌داری افراد رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون این فرضیه (۰.۰۰) این رابطه در سطح بالایی معنادار است. با توجه به ضریب همبستگی ۰.۵۲ که مثبت است پس این رابطه مستقیم است و می‌توان گفت هرچه افراد رسانه‌ها برنامه‌های مذهبی تری داشته باشند افراد دین‌دارتر خواهند شد.

فرضیه ۶: به نظر می‌رسد میان سرمایه اجتماعی افراد و دین‌داری افراد رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون این فرضیه (۰.۰۴) این رابطه در سطح متوسطی معنادار است. با توجه به ضریب همبستگی ۰.۱۰ که مثبت است پس این رابطه مستقیم است و می‌توان گفت هرچه سرمایه اجتماعی افراد بیشتر باشد افراد دین‌دارتر خواهند شد.

فرضیه ۷: به نظر می‌رسد میان سن افراد و دین‌داری افراد رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون این فرضیه (۰.۰۰) این رابطه در سطح بالایی معنادار است. با توجه به ضریب همبستگی ۰.۱۴ که مثبت است پس این رابطه مستقیم است و می‌توان گفت هرچه سن افراد بیشتر باشد افراد دین‌دارتر خواهند شد.

جدول ۲: بررسی همبستگی میان متغیرها

سطح معناداری	ضریب همبستگی	دینداری
		متغیرهای مستقل
۰.۰	۰.۷۲	آموزش رسمی
۰.۰	۰.۵۹	آموزش غیر رسمی
۰.۰	۰.۶۲	خانواده
۰.۰	۰.۶۸	دوستان
۰.۰	۰.۵۲	رسانه
۰.۰۴	۰.۱۰	سرمایه
۰.۰	۰.۱۴	سن

فرضیه ۸: به نظر می‌رسد میان جنسیت افراد و دین‌داری افراد رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون این فرضیه (۰.۰۱) این رابطه در سطح بالایی معنادار است. نتایج حاصله از آزمون T در جدول زیر حاکی از آن است که در مجموع بین دختران و پسران جوان، با توجه به نمره میانگین میزان دین‌داری آنان تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی دیگر با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان اظهار نمود که این تفاوت‌های نمره‌ای که دختران و پسران کسب کرده‌اند به لحاظ آماری معنادار است. این آزمون نشان داد که میزان رواج دین‌داری در مجموع در نمره میانگین پسران کمتر از دختران است.

فرضیه ۹: به نظر می‌رسد میان وضعیت تاهل افراد و دین‌داری افراد رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون این فرضیه (۰.۵۵) این رابطه معنادار نیست.

جدول ۳: بررسی تفاوت میانگین میان گروه‌ها

Sig	T	میانگین	تعداد	وضعیت	دینداری
					متغیر مستقل
۰/۰۰۱	۲/۶۸	۳/۸۸	۲۲۹	زن	جنسیت
		۳/۶۹	۱۷۰	مرد	
۰/۵۵	-۰/۶۷	۳/۷۹	۳۵۲	مجرد	تاهل
		۳/۸۶	۴۷	متاهل	

فرضیه ۱۰: به نظر می‌رسد میان میزان تحصیلات افراد و دین‌داری افراد رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌طور که در جدول زیر آمده است میانگین دین‌داری بر اساس تحصیلات افراد مورد مطالعه در آزمون مورد بررسی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارد. آزمون تحلیل واریانس (F-Test) انجام شده برای تعیین تفاوت میانگین بین گروه‌های تحصیلی نشان می‌دهند مقدار F و سطح معنی‌داری در این آزمون معنی‌دار بوده ($\text{sig} = ۰/۰۰۱$ و $F = ۳/۹۹$) و قابل تعمیم به جمعیت تحقیق است. جدول زیر از وجود تفاوت معنی‌دار میان دسته‌های تحصیلی مختلف در دین‌داری افراد مورد بررسی حکایت دارد. بر این اساس با افزایش تحصیلات دین‌داری افراد کاهش می‌یابد.

جدول ۴: مقایسه میانگین دین‌داری بر حسب تحصیلات

گروه‌های تحصیلی	F	sig	تفاوت معنی‌دار میانگین بین گروه‌ها
بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس	۳/۹۹	۰/۰۰۱	تفاوت میانگین میان بی‌سواد با راهنمایی (۰/۰۰۷) - راهنمایی با دیپلم (۰/۰۳)، راهنمایی با فوق دیپلم (۰/۰۰۱)، راهنمایی با لیسانس (۰/۰۰۸)، راهنمایی با فوق لیسانس (۰/۰۰۰) - دیپلم با فوق دیپلم (۰/۰۲) و دیپلم با فوق لیسانس (۰/۰۰۲) - لیسانس با فوق لیسانس (۰/۰۴)

تحلیل و تبیین رابطه متغیرهای مستقل تحقیق و ابعاد دین داری

به منظور این که از روابط میان متغیرهای مستقل تحقیق و دین داری به نحو هر چه روشن تری آگاهی یابیم، به بررسی دقیق نسبت میان ابعاد و اجزای متغیر دین داری و متغیرهای مستقل مبادرت می‌ورزیم. بنابراین هر یک از ابعاد زیر را به مثابه یک متغیر مستقل فرض نموده و با متغیرهای مستقل تحقیق مورد آزمون قرار دادیم تا به نسبت‌های جزئی تر میان این متغیرها آگاهی یابیم. در زیر به بررسی روابط میان ابعاد دین داری (اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی) و متغیرهای مستقل (آموزش رسمی، دوستان، خانواده، آموزش غیر رسمی، رسانه، سرمایه اجتماعی و سن) می‌پردازیم.

جدول ۵: رابطه میان ابعاد دین داری با متغیرهای مستقل تحقیق

متغیرهای مستقل تحقیق							دین داری
سن	سرمایه اجتماعی	رسانه	دوستان	خانواده	آموزش غیر رسمی	آموزش رسمی	
R = ۰/۱۸ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۰۱ Sig = ۰/۰۵	R = ۰/۴۸ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۵۷ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۵۷ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۴۰ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۶۵ Sig = ۰/۰۰	اعتقادی
R = ۰/۰۷ Sig = ۰/۰۲	R = ۰/۰۹ Sig = ۰/۰۶	R = ۰/۴۲ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۵۳ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۵۵ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۳۹ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۶۸ Sig = ۰/۰۰	عاطفی
R = ۰/۱۸ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۰۵ Sig = ۰/۲۸	R = ۰/۴۳ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۶۳ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۵۱ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۴۹ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۶۵ Sig = ۰/۰۰	پیامدی
R = ۰/۰۶ Sig = ۰/۲۴	R = ۰/۱ Sig = ۰/۰۵	R = ۰/۴۴ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۵۹ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۴۹ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۶۶ Sig = ۰/۰۰	R = ۰/۵۴ Sig = ۰/۰۰	مناسکی

هم چنانکه در جدول بالا مشاهده می‌شود میان ابعاد مختلف دین داری و متغیرهای مستقل تحقیق نسبت برابری برقرار نیست و هر یک از ابعاد زیر از شدت رابطه مستقلی در مقایسه با سایر ابعاد برخوردار است.

همه ابعاد دین داری با متغیرهای مستقل رابطه معنادار و مستقیمی دارند به غیر از بعد اعتقادی و عاطفی و مناسکی با سرمایه اجتماعی و ابعاد عاطفی و مناسکی از متغیر وابسته دین داری با سن

افراد که با توجه به سطح معناداری حاصل، رابطه معناداری میان آنها برقرار نیست. بیشترین همبستگی بعد اعتقادی و عاطفی با متغیر آموزش رسمی، بعد پیامدی با متغیرهای آموزش رسمی و دوستان و بعد مناسکی با آموزش‌های غیررسمی داراست.

ارزیابی رابطه چند متغیره میان دین‌داری و سایر متغیرهای مرتبط

پس از آن که به بررسی رابطه هر یک از متغیرها با متغیر دین‌داری پرداختیم به تحلیل رگرسیون چند متغیره برای بررسی اثرات متغیرهایی که با متغیر وابسته (دین‌داری) رابطه داشتند مبادرت ورزیدیم.

جدول ۶: رگرسیون چند متغیره میان دین‌داری و سایر متغیرهای مرتبط

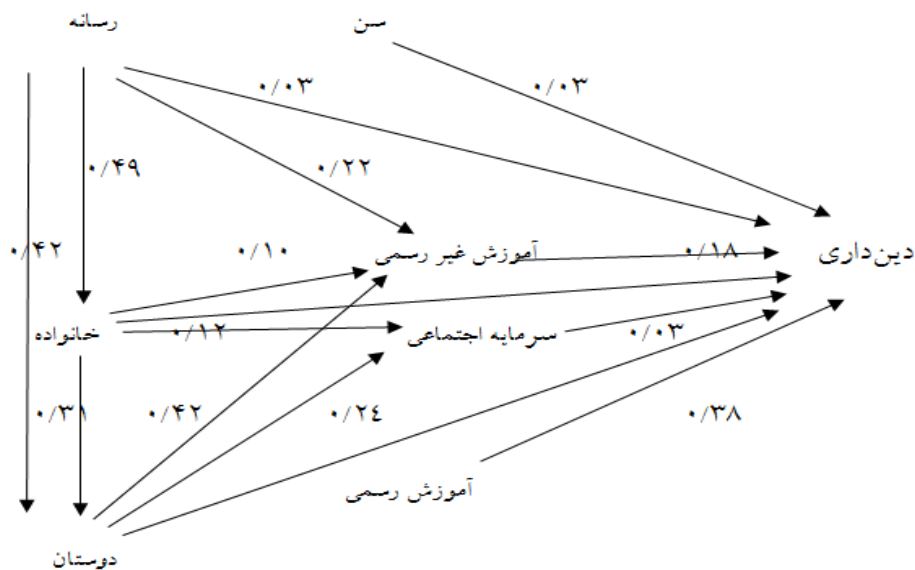
دین‌داری و متغیرهای مرتبط	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	(Constant) B و	ضریب بتا (β)	سطح معنی‌داری (Sig)
	۰/۸۲	۰/۷۰	۱/۴۷		۰/۰۰۰
آموزش رسمی	-	-	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۰۰۰
دوستان	-	-	۰/۱۳	۰/۲۴	۰/۰۰۰
خانواده	-	-	۰/۱۷	۰/۲۱	۰/۰۰۰
آموزش غیر رسمی	-	-	۰/۱۳	۰/۱۸	۰/۰۰۰
رسانه	-	-	۰/۲۰	۰/۰۳	۰/۵۵
سرمایه اجتماعی	-	-	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۳۵
سن	-	-	۰/۰۰۷	۰/۰۳	۰/۳۶

ضریب همبستگی دین‌داری با ترکیب خطی متغیرهای آموزش رسمی، دوستان، خانواده، آموزش غیر رسمی، رسانه، سرمایه اجتماعی و سن برابر است با (۰/۸۲). نسبتی از واریانس متغیر دین‌داری که از طریق متغیرهای مذکور تبیین شده است در حدود (۰/۷۰) است. نسبت F دلالت بر آن دارد که رابطه میان دین‌داری و این متغیرها به لحاظ آماری معنی‌دار است (۰/۰۰۰). بر اساس آزمون رگرسیون چند متغیره متغیرهای استفاده از رسانه، سرمایه اجتماعی و سن اثر چندانی بر دین‌داری فرد نداشته‌اند؛ لذا آن چه که در این تحلیل رابطه چند متغیره

حاصل شد اثبات عدم وجود رابطه میان این متغیرها و دین داری است. با توجه به تحلیل تک متغیره به نظر می رسد که میان هر یک از این متغیرها و دین داری رابطه معنی داری برقرار است در حالی که این رابطه چندان مؤثقی نبوده و تحت تأثیر متغیرهای آموزش رسمی، دوستان، خانواده و آموزش غیر رسمی حاصل شده بود؛ لذا با کنترل اثر این متغیرها، نتیجه این رابطه تغییر نموده است.

تحلیل مسیر متغیرهای مؤثر بر دین داری

از آنجا که هر متغیر اجتماعی در مسیر اثربخشی بر متغیر وابسته می تواند با متغیرهای مستقل رقیب روابط و همبستگی هایی داشته باشد از این رو با ترسیم مدل علی تحلیل مسیر به بیان اثر مستقیم و غیر مستقیم هر متغیر بر دین داری مبادرت می ورزیم.



(نمودار شماره ۱): تحلیل مسیر متغیرهای مؤثر بر دین داری

از مدل فوق و همچنین نتایج مندرج در جدول زیر می توان دریافت که میان متغیرهای مستقل مختلف و دین داری روابط علی قابل توجهی برقرار است. یافته ها نشان می دهند که با

احتمالاً اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تغییرات میزان دین‌داری جوانان به ترتیب متغیرهای آموزش رسمی، دوستان، خانواده، آموزش غیر رسمی، رسانه، سرمایه اجتماعی و سن هستند. اثر کلی متغیرهای مستقل ذکر شده در مدل فوق بر متغیر دین‌داری حاکی از آن است که میان این متغیرها همبستگی بسیار ضعیف (سرمایه اجتماعی و سن) تا متوسطی (آموزش رسمی، دوستان و خانواده) برقرار است. همچنین این رابطه در تمامی موارد مثبت بوده و بیانگر اثر مستقیم میان متغیرهاست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از تحقیق حاضر تعیین عوامل مهم و تأثیرگذار بر دین‌داری جوانان تهرانی بوده است. همچنان که گفته شد برای سنجش نقش عوامل مؤثر بر دین‌داری به مطالعه ادبیات تحقیق و عوامل متعدد اجتماعی دست زدیم.

چنانچه می‌دانیم در بروز پدیده‌های اجتماعی عوامل متعددی نقش ایفا می‌کند. با این حال برخی از متغیرها نقش مهم‌تری را در بروز یا عدم شکل‌گیری یا مسأله‌آمیز شدن پدیده‌ها بازی می‌کنند. در اینجا با توجه به فرضیه‌هایی که در این تحقیق (ضمن مطالعه نظریه‌های مرتبط با موضوع و ادبیات بحث) به کار گرفته شد عوامل متعددی در شکل‌گیری و ظهور دین‌داری جوانان تهرانی موثرند. همان‌طور که انتظار می‌رفت عوامل نظیر آموزش رسمی، دوستان، خانواده، آموزش غیر رسمی، رسانه، سرمایه اجتماعی، سن، جنسیت و تحصیلات با دین‌داری جوانان رابطه معنی‌داری دارند. تمام متغیرهای آموزش رسمی، دوستان، خانواده، آموزش غیر رسمی، رسانه، سرمایه اجتماعی، سن ارتباط مستقیمی با دین‌داری داشته و با افزایش زمینه‌های دینی در هر یک از متغیرهای مستقل فوق میزان دین‌داری در میان پاسخگویان افزایش می‌یابد و در ضمن دین‌داری در میان خانم‌ها بیشتر از آقایان بوده و با افزایش میزان تحصیلات، میزان دین‌داری افراد کاهش می‌یابد. بر این اساس تمامی برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌سازی‌های مسئولان برای گسترش فرهنگ دینی در این شهر باید بر تغییر و دست‌کاری این متغیرها استوار باشد.

با توجه به رگرسیون چند متغیره انجام شده موثرترین عوامل بر دین‌داری به ترتیب آموزش رسمی، دوستان و همسالان و در مرتبه سوم خانواده می‌باشد و با توجه به تحلیل مسیر صورت

گرفته مهم ترین پیش بینی کننده های تغییرات میزان دین داری جوانان به ترتیب متغیرهای آموزش رسمی، دوستان، خانواده، آموزش غیر رسمی، رسانه، سرمایه اجتماعی و سن هستند. اثر کلی متغیرهای مستقل ذکر شده در مدل فوق بر متغیر دین داری حاکی از آن است که میان این متغیرها همبستگی بسیار ضعیف (سرمایه اجتماعی و سن) تا متوسطی (آموزش رسمی، دوستان و خانواده) بر قرار است. هم چنین این رابطه در تمامی موارد مثبت بوده و بیانگر اثر مستقیم میان متغیرهاست.

استدلال کردیم که نقش های دینی اجتماعی اولیه، فرد را در مسیر مشخصی از نقش هایی قرار خواهد داد که در مراحل بعدی زندگی بر عهده خواهد گرفت؛ لذا تربیت، تجربه دینی و نقش های پذیرفته شده دینی در دوران کودکی می تواند زمینه های فراگیری بیشتر و جذب بالاتر فرد در ارزش های دینی در بزرگسالی را در پی داشته باشد. علاوه بر این نشان دادیم که افزون بر آموزش، سن و نقش جنسیتی نقش هایی که هر فرد در دوران کودکی خویش فرا می گیرد و آن را به اجرا در می آورد متأثر از عواملی اجتماعی است. عواملی از قبیل، خانواده، مدرسه، همسالان و دوستان، رسانه ها و گروه مرجع و ... این عوامل تحت عنوان عوامل اجتماعی شدن مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

با تکیه بر مقایسه میان نتایج حاصل از پژوهش حاضر و یافته های پژوهش های متعدد انجام شده در داخل و خارج از کشور و همخوانی و همنوایی نتایج حاصله در این پژوهش ها و پژوهش حاضر می توان از وجود اعتبار تجربی بالای پژوهش حاضر یاد کرد. در پژوهش حاضر عمدتاً شواهد با یافته های پژوهش های معتبر انجام شده در این حوزه همخوانی داشته است. و در نهایت می توان پیشنهاداتی به شرح ذیل داشت:

۱- تحقیق حاضر به دلیل محدودیت های گوناگون سطح سنجش خود را به جمعیت جوانان تهرانی محدود نمود. هر چند به دلیل اهمیت این جمعیت و نسبت قابل توجه آن به هرم سنی جامعه ایران انجام این مطالعه با اهمیت به نظر می رسد در عین حال تحقیق بر روی گروه های سنی و اجتماعی خاص نظیر نوجوانان، دانشجویان، زنان، کارگران و سایر اقشار اجتماعی می تواند مکمل تحقیق حاضر باشد و نتایج آن ها را با یکدیگر مورد مقایسه قرار داد.

۲- تحقیق حاضر به دلیل محدودیت های موجود عمدتاً هم خود را به یافتن روابط میان

متغیرهای مذکور در سطح خرد (افراد) محدود نمود. در عین حال تحقیق بر روی سطوح کلان‌تر عوامل (مانند سیاست‌های کلان‌نظام) می‌تواند در جهت افزایش آگاهی از وضعیت متغیرهای کنترل‌گر دین‌داری در سطوح مختلف و مقایسه آن موثر افتد.

۳- در تحقیقاتی مستقل و نظری می‌توان به نقش اختصاصی و مفصل‌تر متغیرهای اصلی اثرگذار مانند آموزش رسمی، آموزش غیر رسمی، خانواده و دوستان پرداخت. بدین وسیله می‌توان به راهکارهایی عملی برای کنترل آسیب‌های موجود در این حوزه مبادرت ورزید.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابراهیمی، قربانعلی و قصابی، رضوان (۱۳۸۹) **دین و بزه‌کاری جوانان**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، دفتر پژوهش‌های کاربردی.
- ۳- اسکید مور، ویلیام (۱۳۸۵) **تفکر نظری در جامعه‌شناسی**، جمعی از مترجمان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۴- ال‌رک، پاملال و بی‌ستل، رابرت (۱۳۸۰) **پژوهش پیمایشی: رهنمودها و استراتژی‌هایی برای انجام دادن پیمایش**، ترجمه مهراندخت نظام‌ستهدی، اردشیر امیدوی محنه و محمود متحد، تهران: نشر آگه.
- ۵- پارسونز، تالکوت (۱۳۷۹) **ساخت‌های منطقی جامعه‌شناسی دینی ماکس وبر در عقلانیت و آزادی**، ترجمه یدالله موقنی و احمد تدین، تهران: هرمس.
- ۶- خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۲) **انتظار بشر از دین**، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- ۷- دواس، دی‌ای، (۱۳۷۶) **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی چاپ اول.
- ۸- رابرتسون، یان (۱۳۷۷) **درآمدی بر جامعه**، مترجم حسین بهروان، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.

- ۹- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۴) کند و کاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ هفتم.
- ۱۰- زارعی، ایوب (۱۳۸۲) **فرزندانمان چگونه اجتماعی می‌شوند؟** تهران: مجله هنر، شهریور، شماره ۲۲.
- ۱۱- سراج زاده، حسین (۱۳۸۴) **چالش‌های دین و مدرنیته**، انتشارات طرح نو، چاپ دوم.
- ۱۲- سراج زاده، سید حسین (۱۳۷۷)، نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی، **نمایه پژوهش**، سال دوم، شماره ۷ و ۸، ۲۹-۱۰۵.
- ۱۳- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۰) **دین، جامعه و عرفی شدن**، تهران: نشر مرکز.
- ۱۴- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۱) **عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی**، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۱۵- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰ الف)، دین‌داری و بزه‌کاری در میان جوانان دانش‌آموز، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۱۶- قرا ملکی، محمد حسن قدردان (۱۳۷۸) **کارکرد دین در انسان و جامعه**، تهران: **فصلنامه قیسات**، شماره ۲۸.
- ۱۷- قصابی، رضوان (۱۳۸۶) **بررسی اثرات دین‌داری بر بیگانگی اجتماعی**، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۸- قصابی، رضوان و طاهری، صادق (۱۳۹۰) **فرا تحلیل سنجه‌های دین‌داری در ایران**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، دفتر پژوهش‌های کاربردی.
- ۱۹- کاظمی، عباس و فرجی، مهدی (۱۳۸۸) **سنجه‌های دین‌داری در ایران**، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- ۲۰- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۵) **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- ۲۱- کوئن، بروس (۱۳۷۳) **مبانی جامعه‌شناسی**، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.

۲۲- گوستاو یونگ کارل (۱۳۸۶) روانشناسی و دین، مترجم فواد روحانی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.

۲۳- میلر، دلبرت سی (۱۳۸۰) **راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی**، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.

۲۴- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳) **مردم شناسی جنسیت**، تهران: انتشارات افکار.

۲۵- یانگ، لورنس (۱۳۸۱) **گزینش عقلانی و دین**، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره اول.

- 26- Argue, Amy; Johnson, David R.& White, Lynn K. (1999) "Age and Religiosity: Evidence from a Three-Wave Panel Analysis", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 38, No. 3., pp. 423-435.
- 27- As-Garza, Pablo Bran (2004) "Analyzing Religiosity within an Economic Framework: The Case of Spanish Catholics", *Review of Economics of the Household*. No. 2, 5-22.
- 28- Bruce, Steve (1993) "Religion and Rational Choice: A Critique of Economic Explanations of Religious Behavior", *Sociology of Religion*, Vol. 54, No. 2, pp. 193-205.
- 29- Erickson, Joseph A. (1992) "Adolescent Religious Development and Commitment: A Structural Equation Model of the Role of Family, Peer Group, and Educational Influences", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 31, No. 2, pp.131-152.
- 30- Kammeyer, K. C. W, et. al. (1989) "Sociology", Boston and London: Allyn and Bacon.
- 31- Lawrence, R. Lannaccone (1997) "Rational choice: Framework For the Scientific Study of Religion", Newyork Routledge.
- 32- Lazerwitz, Bernard & Ephraim Tabory (2002) "National Religious Context and Familial Religiosity within a Jewish Framework", *Review of Religious Research*, Vol. 44, No. 1, p:22-23.
- 33- Sacerdote, Bruce and Glaeser, Edward L. (2001) "Education and Religion" NBER Working Paper, No. 8080.
- 34- Spilka, Bernard; Shave, Phillip and Kirkpatrick, Lee A. (1985) "A general attribution theory for the psychology of religion", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 24: 18.

- 35- Sullivan, Russell N. (1949) "Religious Education in the Schools", *Law and Contemporary Problems*, Vol. 14, No. 1, pp. 92-112.
- 36- "Symposium on Hjalmar Sundhn's Role-Theory of Religion", (1987) *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 26, No. 3. p. 366.
- 37- Walter, Tony and Davie, Grace (1988) "The Religiosity of Women in the Modern West", *The British Journal of Sociology*, Vol. 49, No. 4, pp. 640-660.
- 38- Tamney, Joseph B. (1994) "Conservative Government and Support for the Religious Institution: Religious Education in English", *The British Journal of Sociology*, Vol. 45, No. 2, pp. 195-210.